
مقایسه نگرش به نقش جنسیتی و رابطه آن با رضایت از زندگی در کارمندان

قمرکیانی*

دکترهادی بهرامی**

دکترفرهادطارمیان***

چکیده

این پژوهش باهدف مقایسه نگرش کارمندان به نقش جنسیتی و رابطه آن با رضایت از زندگی انجام شد. دریک پژوهش مقطعی پیمایشی ۱۶۰ کارمند به روش طبقه‌ای و خوشه‌ای از ادارات انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه نگرش به نقش جنسیتی محقق ساخته و رضایت از زندگی دینر و شادکامی آکسفورد بهره گرفته شد. داده‌ها با روش آماری تحلیل واریانس دو راهه، همبستگی پیرسون و رگرسیون تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که مردان و زنان جوان و میانسال در پذیرش ویژگیهای کلیشه‌ای جنسیتی تفاوت معناداری دارند. مردان و زنان در نگرش به برابرخواهی جنسیتی تفاوت معناداری داشتند، ولی جوانان و میانسالان در نگرش به برابرخواهی جنسیتی تفاوت معناداری نداشتند. بین رضایت از زندگی و برابرخواهی جنسیتی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد، اما بین پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی و رضایت از زندگی همبستگی منفی معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها:

نقش جنسیتی، برابرخواهی جنسیتی، پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی، رضایت از زندگی

مقدمه

به دلیل داشتن نقش محوری رضایت از زندگی در سلامت و بهزیستی افراد، این مبحث به طور وسیع در روانشناسی بررسی شده است. روانشناسی برای شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی و ارتقاء آن تلاش فراوانی کرده است، اما توجه عمده دیدگاه‌های گذشته و اخیر درباره آن، به ویژه بر درمان بیماری‌ها و رهایی انسانها از بیماری‌های روانی و کاهش عوامل آسیب‌زا بوده است و به شاخص‌های مثبت سلامتی توجه کمتری کرده‌اند.

در برابر مدل‌ها و تئوری‌هایی که سلامتی را نبود حضور نشانه‌های روان رنجوری می‌دانند و آن را براساس نبود ملاک‌های منفی چون حالت‌های ناخوشایند عاطفی ارزیابی می‌کنند، سازمان جهانی بهداشت^۱، سلامتی را حالتی کامل از سلامت اجتماعی، ذهنی، فیزیکی می‌داند. کاون^۲ (۱۹۹۱) در این باره معتقد است که بحث بر سر ابعاد سلامتی هنوز ادامه دارد و به نقطه روشنی نرسیده است. شادبودن و ارزیابی‌های مرتبط با رضایت از زندگی عواملی هستند که در همه مدل‌های پیشنهادی سلامت ذهنی از طرف دانشمندان مختلف، مشترک است.

رضایت از زندگی از مفاهیم بهزیستی^۳، کیفیت زندگی^۴، شادمانی^۵ متفاوت است. در تعریفی که لیوبومیرسکی^۶ (۲۰۰۱) از رضایت از زندگی ارائه داده است آن را ارزیابی ذهنی از کیفیت زندگی فردی بیان کرده که مؤلفه شناختی دارد و پیش بین قدرتمندی برای سلامت روان به حساب می‌آید. رضایت از زندگی در واقع رضایت از تمام حوزه‌های زندگی است (سوزا^۷ و لیوبومیرسکی، ۲۰۰۱). رضایت از زندگی در سلامت افراد، اقتصاد و توسعه کشورها نقش بسزایی دارد؛ محققان (فیسکلاو، فرانک^۸، ۱۹۹۷، تونج^۹، ۲۰۰۰ به نقل از دینوسلیگمن^{۱۰}، ۲۰۰۲) و آدامیاک^{۱۱} (۲۰۰۴) در بررسی‌های خود به وجود رابطه بین رضایت از زندگی و

-
1. The World Health Organization (WHO)
 2. Cowen
 3. Well Being
 4. Quality of life
 5. Happiness
 6. Lyubomirsky
 7. Sousa
 8. Fiscella & Frank
 9. Tweng
 10. Diener & Seligman
 11. Adamiak

سلامت روانی پی برده اند و رضایت از زندگی پایین را با انواع اختلالات روانی به ویژه افسردگی و اضطراب مرتبط دانسته‌اند.

بنابراین، شناسایی متغیرهای دخیل در رضایت از زندگی در برنامه ریزی برای ارتقاء آن حائز اهمیت است. عواملی مانند سن (دینروهمکاران، ۱۹۹۹؛ دانووان و هالپرن^۱، ۲۰۰۲) درآمد، سلامت جسمانی و روانی و تحصیلات (دینروسلینگمن، ۲۰۰۲) روابط میان فردی (جفری^۲ و همکاران، ۲۰۰۷) ژن‌ها و شخصیت (دانووان و هالپرن، ۲۰۰۲) در رضایت از زندگی مؤثر شناخته شده‌اند. یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار جنسیت و نقش‌های جنسیتی است (آیزنک^۳، ۱۹۹۰)، که در این پژوهش به آن توجه شده است.

جنسیت به تفاوت‌های روانشناختی و اجتماعی و فرهنگی میان مردان و زنان اشاره می‌کند. نقش جنسی مفهوم گسترده‌ای است که از یک جنبه می‌توان گفت بسیاری از مسئولیت‌ها و تکالیف در خانواده بر اساس آن تعریف می‌شود. چراکه مفهوم نقش جنسی تعریف زنانگی و مردانگی در یک جامعه است (سیف، ۱۳۷۶).

شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی یا ترجیحات و رفتارهای مرتبط با جنسیت که جامعه پسند هستند از همان سالهای اولیه پیش دبستانی شروع می‌شود. والدین در همان آغاز تولد برداشت‌های متفاوتی درباره دختران و پسران خود دارند و این نگرش‌ها در عمل به شیوه‌های فرزندپروری منتقل می‌شود. علاوه بر آن معلمان، همسالان، رسانه‌های گروهی و فرهنگ نیز در تعامل با یکدیگر به شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی کمک می‌کنند (برک^۴، ۱۳۸۳؛ گلوبوک و فیوش^۵، ۱۳۸۴).

پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی، یکی از ابعاد نقش جنسیتی است که به معنای جهت‌گیری درباره پذیرش یا رد باورها و کلیشه‌های جنسیتی (جنس مؤافق و مخالف) نزد زنان و مردان است. این جهت‌گیری در ایجاد مقوله‌های اجتماعی وابسته به جنسیت تأثیر می‌گذارد. به گونه‌ای که مردان و زنان در قبول و پذیرش این کلیشه‌ها متفاوت از هم عمل می‌کنند

-
1. Donovan & Halpern
 2. Jeffrey
 3. Eysenck
 4. Berk
 5. Glumboke & Fiush

(بم^۱، ۱۹۸۵ به نقل از خمسه، ۱۳۸۳).

تحولات وسیع، و در برخی از موارد شتاب زده دهه‌های اخیر در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از اشتغال، اوقات فراغت، فرزندپروری و غیره درباره نوع تعاملات انسانی اثر چشم‌گیری باقی گذاشته است. امروزه بسیاری از زنان و مردان انتظارتی که از آنها می‌رود را مورد سؤال قرار می‌دهند و به تجدیدنظر در روش خود و به برابری بین دو جنس^۲ تمایل دارند. در این گرایش مردان و زنان در تمام زمینه‌های جنسیتی خواهان برخورداری از فرصت‌های برابر هستند (بیلین^۳، ۲۰۰۶). از جمله در کارهای خانه، پرورش و نگه‌داری فرزندان، اوقات فراغت، اشتغال، روابط اجتماعی، مدیریت خانواده، تصمیم‌گیری و غیره. به گونه‌ای که هیچ‌یک بر دیگری برتری نداشته باشد. همچنین به نظر می‌رسد پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای^۴ هر جنس نیز دچار تغییر شده باشد.

باتوجه به اهمیت رضایت از زندگی و تأثیر نقش‌های جنسیتی بر آن و تحولات جاری در این نقش‌ها چنین به نظر می‌رسد که لازم است دانش روانشناسی گام‌های مؤثری برای بررسی این تحولات بردارد تا بتواند پاسخگوی مراجعان باشد و به هدف نهایی خود، ارتقاء بهداشت روانی انسانها، دست یابد. دلیل این امر شمار وسیع زوج‌هایی است که برای مشاوره مراجعه می‌کنند و آمار روزافزون طلاق در جامعه که نتیجه آن افزایش اختلالات روانی و ناهنجاری در جامعه است.

هدف تحقیق حاضر این است که به این سؤالات پاسخ دهد که آیا مردان و زنان جوان و میانسال از تحولات ذکر شده یکسان تأثیر گرفته‌اند؟ میزان پیش‌بینی‌کنندگی نقش‌های جنسیتی در رضایت از زندگی چقدر است؟

فرضیه‌های پژوهش:

۱. نگرش مردان و زنان ۳۰-۲۰ سال (جوان) و ۵۰-۴۰ سال (میانسال) نسبت به پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی متفاوت است.

1. Bem
2. Gender egalitarianism
3. Bailyn
4. Gender stereotypes

مقایسه نگرش به نقش جنسیتی و رابطه آن با رضایت از زندگی در کارمندان ۱۱۵

۲. نگرش مردان و زنان ۳۰-۲۰ سال و ۵۰-۴۰ سال نسبت به برابر خواهی جنسیتی متفاوت است.

۳. بین پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین برابر خواهی جنسیتی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد.

روش

این پژوهش به روش مقطعی پیمایشی انجام شد. جامعه آماری کارمندان زن و مرد ۳۰-۲۰ و ۵۰-۴۰ سال ادارات زنجان در سال ۱۳۸۷ بودند که دارای تحصیلات دانشگاهی و غیر دانشگاهی و از طبقات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مختلف بودند. علت انتخاب کارمندان سهولت دسترسی به نمونه‌های جوان و میانسال و صرفه‌جویی در وقت و هزینه بود. برای

محاسبه حجم نمونه با توجه به روش تحقیق از فرمول $n = \frac{(Z_{1-\alpha/2})^2 \sigma^2}{d^2}$ استفاده شد و حجم نمونه ۱۶۰ نفر به دست آمد که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای نمونه‌ها انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از بین ادارات دولتی شهر زنجان چهار اداره به طور تصادفی انتخاب شد. سپس از میان کارمندان زن و مرد واجد شرط سنی، افراد علاقمند به شرکت در مطالعه انتخاب شدند. بعد از ارائه توضیحاتی مبنی بر محرمانه بودن اطلاعات و هدف مطالعه، این افراد در پژوهش شرکت داده شدند.

ابزارهای تحقیق:

پرسشنامه نگرش به نقش جنسیتی محقق ساخته:

نگارندگان این پرسشنامه برای تدوین آن از نتایج گزارشات خمسه (۱۳۸۳) در زمینه کلیشه‌های جنسیتی، پرسشنامه نقش جنسی بم^۱ و برگزاری جلسات مصاحبه با تعدادی از افراد جامعه هدف به صورت گروهی و انفرادی در زمینه مقوله‌های مختلف نقش‌های زنان و مردان

1. Bem Sex Role Inventory (BSRI)

(شامل تحصیلات، کار در خانه، اشتغال، اوقات فراغت، روابط اجتماعی، نگه داری و پرورش کودکان، مدیریت خانه و تصمیم‌گیری) بهره‌گرفتند.

پرسشنامه شامل سه بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی (شامل سن، جنس، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، مدت ازدواج، تحصیلات، میزان درآمد، مذهب و زبان مادری)، نگرش به برابری جنسیتی و پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی بود که بخش نگرش به برابری جنسیتی ۳۷ گویه داشت (با مضامینی از قبیل نگه داری و مراقبت از فرزندان به عهده مادر است، زنان بهتر است مشاغل نیمه وقت داشته باشند تا به کارهای خانه هم برسند، درست نیست که زن بدون همسر خود به مسافرت برود حتی اگر برای زیارت باشد، زنان هم می‌توانند مانند مردان رانندگی کنند) با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم بود؛ بیشتر گویه‌ها به روش مستقیم (کاملاً مخالفم، نمره ۱ و کاملاً موافقم، نمره ۵) و برخی به روش معکوس (کاملاً مخالفم، نمره ۵ و کاملاً موافقم، نمره ۱) نمره‌گذاری می‌شد. دامنه نمرات بین ۳۷ - ۱۸۵ بود. نمره بالاتر برابرخواهی بیشتر را نشان می‌داد. بخش پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی ۸ گویه داشت (با مضامینی از قبیل وابستگی زنان به مردان پدیده‌ای مقبول است، اظهار نظر کردن قاطع و تاحدی خشن بیشتر مناسب مردان است تا زنان، استقلال اقتصادی و رفتاری در همه مردان باید وجود داشته باشد، پرحرفی زنان در مجالس، ویژگی نامطلوبی در آنها است) و نمره‌گذاری مانند بخش برابرخواهی بود نمره ۸ پایین و نمره بالا ۴۵ بود که هرچه نمره بالاتر می‌رود نشان‌دهنده پذیرش بالای ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی است. برای بررسی روایی آن، پرسشنامه مقدماتی برای تعدادی از اساتید روانشناسی و روانپزشکی (علاقه‌مند به روان‌درمانی و مشاوره) ارسال شد. بعد از جمع‌بندی نظرات ایشان و اعمال اصلاحات لازم، در یک پژوهش مقدماتی در جامعه هدف به تعداد ۵ نفر نمونه پرسشنامه به اجرا گذاشته شد که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد. لازم ذکر است بعد از اجرای پرسشنامه در نمونه اصلی، ضریب پایایی ۰/۸۴ به دست آمد.

مقیاس رضایت از زندگی دینر^۱

این پرسشنامه یک مقیاس خود گزارشی است. ۵ گویه ۵ گزینه‌ای از درجه «به شدت

1. Satisfaction With Life Scale (SWLS)

مقایسه نگرش به نقش جنسیتی و رابطه آن با رضایت از زندگی در کارمندان ۱۱۷

ناراضی» تا «به شدت راضی» دارد که از ۵-۱ نمره گذاری می شود نمره بالا ۲۵ و نمره پایین ۵ است. نمره بالا نشان دهنده رضایت از زندگی بالاست. که دینر و همکاران (۱۹۸۵) آن را ساخته اند. این مقیاس را خیر و سامانی (۱۳۸۳) برای استفاده در ایران منطبق کرده اند و ضریب آلفای ۰/۸۰ را برای آن به دست آورده اند. در این تحقیق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد (به نقل از خیر و سامانی، ۱۳۸۳).

پرسشنامه شادکامی آکسفورد^۱

این ابزار را آرچیل و لو^۲ (۱۹۸۹) تهیه کرده اند. ۲۹ ماده، و هر ماده ۴ عبارت دارد که از (۳-۰) نمره گذاری شده و دامنه نمرات بین ۰-۸۷ است. نمره بالا شادکامی بالا را نشان می دهد (الیانت، به نقل از علی پور و نوربالا، ۱۳۷۸).

این پرسشنامه را علی پور و نوربالا (۱۳۷۸) به فارسی ترجمه کردند. درستی برگردان آن را ۸ متخصص روانشناسی و روانپزشک تأیید کردند و سپس به صورت مقدماتی در میان تعدادی دانشجو اجرا شد و اصلاحاتی در آن انجام شد و آلفای ۰/۹۳ را برای آن به دست آوردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای ۰/۸۸ برای آن به دست آمد.

در این تحقیق ضریب همبستگی برای مقیاس های رضایت از زندگی دینر و مقیاس شادکامی آکسفورد محاسبه شد که ۰/۹۵۲ در سطح معنی داری ۰/۰۱ به دست آمد. پرسشنامه های رضایت از زندگی دینر و شادکامی آکسفورد برای ارزیابی رضایت از زندگی آزمودنی ها به کار گرفته شد.

یافته ها

میانگین و انحراف معیار نمرات به دست آمده در پذیرش ویژگی های کلیشه ای جنسیتی و برابرخواهی جنسیتی در بین کارمندان ۳۰-۲۰ سال و ۵۰-۴۰ سال مرد و زن به ترتیب در جدول ۱ و ۲ ارائه شده است.

1. Oxford Happiness Inventory (OHI)
2. Argil&Lou

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار کارمندان به تفکیک سن و جنسیت در پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای

جنسیتی			
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
کارمندان ۳۰-۲۰ سال مرد	۲۸/۴۸	۵/۱۸	۴۰
کارمندان ۳۰-۲۰ سال زن	۲۳/۲۵	۳/۸۷	۴۰
کارمندان ۵۰-۴۰ سال مرد	۲۹	۳/۹۴	۴۰
کارمندان ۵۰-۴۰ سال زن	۲۸/۰۸	۵/۳۳	۴۰

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار کارمندان به تفکیک سن و جنسیت در برابرخواهی جنسیتی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
کارمندان ۳۰-۲۰ سال مرد	۱۰۵/۹۶	۱۸/۴۷	۴۰
کارمندان ۳۰-۲۰ سال زن	۱۲۹/۲۱	۱۱/۶۷	۴۰
کارمندان ۵۰-۴۰ سال مرد	۱۰۸/۲۹	۱۹/۳۸	۴۰
کارمندان ۵۰-۴۰ سال زن	۱۲۰/۶۷	۱۵/۱۱	۴۰

برای بررسی اثر سن و جنس افراد در پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی از تحلیل واریانس دوره‌ای سن (۳۰-۲۰ سال و ۵۰-۴۰ سال) جنس (مرد و زن) استفاده شد. نتایج در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج نشان داد که اثر اصلی سن ($p=0/005$) و جنس ($p=0/001$) و تعامل سن و جنس ($p=0/023$) بر پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای معنادار بود.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس دوره‌ای سن (۳۰-۲۰ سال و ۵۰-۴۰ سال) * جنس (مردوزن)

برای پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی داری
سن	۱۷۳/۶۸	۱	۱۷۳/۶۸	۸/۱۸	۰/۰۰۵
جنس	۲۲۸/۹۷	۱	۲۲۸/۹۷	۱۰/۷۸	۰/۰۰۱
سن*جنس	۱۱۲/۷۵	۱	۱۱۲/۷۵	۵/۳۱	۰/۰۲۳
خطا	۱۹۷۴/۵۷	۱۵۶	۲۱/۲۳	۰	۰

در قسمت دیگر تحقیق برای بررسی اثر سن و جنس افراد در برابرخواهی جنسیتی از تحلیل واریانس دوره‌ای سن (۳۰-۲۰ سال و ۵۰-۴۰ سال) * جنس (مردوزن) استفاده شد. نتایج در جدول ۴

مقایسه نگرش به نقش جنسیتی و رابطه آن با رضایت از زندگی در کارمندان ۱۱۹

ارائه شده است. نتایج نشان داد که اثر اصلی سن ($p=0/356$) و تعامل سن و جنس ($p=0/107$) در برابرخواهی جنسیتی معنادار نبود، ولی اثر اصلی جنس در برابرخواهی جنسیتی ($p=0/000$) معنادار بود.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس دوره‌ها سن (۳۰-۲۰ سال و ۵۰-۴۰ سال) * جنس (مرد و زن) برای برابرخواهی جنسیتی

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی داری
سن	۲۳۳/۷۲	۱	۲۳۳/۷۲	۰/۸۶	۰/۳۵۶
جنس	۲۲۸/۹۷	۱	۲۲۸/۹۷	۲۸/۳۵	۰/۰۰۰
سن*جنس	۷۱۶/۵۴	۱	۷۱۶/۵۴	۲/۶۴	۰/۱۰۷
خطا	۲۵۲۳/۲۱	۱۵۶	۲۷۱/۲۱	۰	۰

جدول ۵: ضرایب همبستگی پیرسون بین برابرخواهی جنسیتی و پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی و رضایت از زندگی ($n=160$)

موضوع	رضایت از زندگی
پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی	* -۰/۱۵۱
برابرخواهی جنسیتی	* ۰/۱۴۱

* ($p < 0/05$)

بین رضایت از زندگی و پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی همبستگی منفی معنادار وجود داشت ($P < 0/05, r = -0/151$) و برابرخواهی جنسیتی و رضایت از زندگی همبستگی مثبت معنادار با یکدیگر داشتند ($P < 0/05, r = 0/141$) (جدول ۳).

برای بررسی میزان پیش بینی کنندگی متغیر برابرخواهی جنسیتی و پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی در ارتباط با رضایت از زندگی، ضمن کنترل مفروضه اصلی آن (استقلال خطاها) رگرسیون چندمتغیری به کار گرفته شد. نتایج در جدول ۴ ارائه شده است و نشان می‌دهد برابرخواهی جنسیتی سهم معناداری در تبیین رضایت از زندگی دارد ($P < 0/02$) و ۲٪ از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کند. ضرایب تأثیر نشان می‌دهد که رابطه مثبت با رضایت از زندگی دارد ($\beta = 0/14$). همچنین پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی سهم معناداری در تبیین رضایت از زندگی دارد ($P < 0/01$) و ۲٪ از واریانس رضایت از زندگی را

تیین می‌کند. ضرایب تأثیر نشان می‌دهد که رابطه منفی بارضایت اززندگی دارد ($\beta = -0/15$).

جدول ۶: نتایج رگرسیون برابرخواهی جنسیتی با رضایت اززندگی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	R2	R	F	β	T	(P)
رضایت اززندگی	برابرخواهی جنسیتی	0/141	0/020	4/96	-	0/141	(0/027)2/22
	پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی	-0/151	0/23	5/56	-	-0/151	(0/015)2/37

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه نگرش زنان و مردان جوان (۲۰-۳۰ سال) و میانسال (۴۰-۵۰ سال) نسبت به نقش جنسیتی (برابرخواهی جنسیتی و پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی) و رابطه آن با رضایت اززندگی بود. در بررسی نقش جنسیت بر نگرش‌ها نتایج نشان داد که در برابرخواهی جنسیتی کارمندان مرد و زن نگرش متفاوتی داشتند. به نحوی که زنان برابرخواهی بالایی نسبت به مردان داشتند. این یافته همسو با یافته‌های مطالعات لیات^۱ (۲۰۰۶) است که تأثیر جنسیت را در نگرش به نقش جنسیتی تأیید کرد و دریافت زنان نسبت به مردان کمتر قالبی فکر می‌کنند و نگرش‌های برابرخواهانه دارند. همچنین با تحقیق هاتفی (۱۳۸۴) همخوانی دارد که دریافت بود، همچون سایر بخش‌های اجتماع، نگرش زنان به تفاوت‌های جنسیتی در حال گذار از رویکرد سنتی به مدرن است و همسو با تحقیق اسماعیل پور (۱۳۸۳) است که به این نتیجه رسیده بود زنان و مردان درباره بیشتر نقش‌های خانوادگی باورهای متفاوتی دارند. در واقع از اساسی‌ترین مباحث میان زن و شوهرها همین تفاوت نگرش به نقش‌های جنسیتی (برابرخواهی جنسیتی) است. وقتی دیدگاه‌های همسران درباره نقش جنسیتی متفاوت باشد می‌توان انتظار داشت که تعارض بین آنها شدت یابد. این موضوع در عقاید و نظریات مربوط به نقش یابی جنسیتی (روانکاوی، یادگیری و ...) نهفته است و مردان با وجود دگرگونی‌ها و تحولات در زمینه نقش‌های جنسیتی در عقاید سنتی پافشاری می‌کنند، ولی زنان خواهان تغییر و تحول در نقش‌های سنتی هستند.

1. Liat

کارمندان مرد و زن در پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی نیز تفاوت معناداری نشان دادند و زنان بیشتر از مردان اختصاص برخی ویژگی‌ها به مردان و برخی دیگر به زنان را پذیرفتند. و نکته جالب توجه این بود که نمره تمام گروه‌ها در پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی در حد متوسط بود. یعنی اینکه اختصاص برخی ویژگی‌ها به زنان و برخی دیگر به مردان را تا حدی قبول داشته و اغلب نگرش‌ها به سمت داشتن ویژگی‌های از دو جنس هم در مردان و هم زنان پیش رفته است این مسئله به این منجر خواهد شد آنها از سلامت روانی بیشتری برخوردار شوند. چرا که آنها در منابع رفتاری خود، هم ویژگی‌های زنانانه و هم ویژگی‌های مردانه دارند؛ و به دلیل انعطاف پذیری شناختی از سلامت روانی بیشتری برخوردار خواهند شد (بم، ۱۹۸۳ به نقل از خمسه‌ای، ۱۳۸۳).

اما در بررسی تأثیر سن بر نگرش‌ها به این نتیجه می‌رسیم که مردان در فاصله سنی ۳۰-۲۰ و ۵۰-۴۰ سال نگرش‌های یکسانی به برابرخواهی جنسیتی داشتند. میانگین برابرخواهی جنسیتی در مردان ۳۰-۲۰ سال و ۵۰-۴۰ سال، به ترتیب ۱۲۹ و ۲۰ از نمره کل ۱۸۵، یعنی برابرخواهی جنسیتی در مردان از متوسط نیز پایین تر بوده است. این مسئله در گروه سنی ۵۰-۴۰ سال پیش‌بینی پذیر بود، ولی از گروه سنی ۳۰-۲۰ سال انتظار می‌رفت که برابرخواهی بالایی داشته باشند و تحولات و دگرگونی‌های اخیر در این زمینه را بیشتر پذیرفته باشند. این نتایج دلالت بر آن دارد که مردان جوان در پذیرش تحولات مقاومت نشان می‌دهند، علت این مسئله بررسی بیشتری را می‌طلبد.

ولی کارمندان ۳۰-۲۰ و ۵۰-۴۰ سال نگرش‌های متفاوتی در زمینه پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای داشتند و افراد جوان کمتر از افراد مسن ویژگی‌های کلیشه‌ای را پذیرفته اند که این یافته‌ها با یافته‌های مطالعات آدرا^۱ (۲۰۰۴)، لیات (۲۰۰۶)، قاسملو (۱۳۸۵) و احمدی (۱۳۸۳) همسو است.

در بررسی رابطه بین نگرش به نقش‌های جنسیتی و رضایت از زندگی ملاحظه شد که بین برابرخواهی جنسیتی و رضایت از زندگی همبستگی مثبت برقرار بوده است یعنی با افزایش برابرخواهی میزان رضایت از زندگی بالا رفته است. این یافته‌ها با یافته‌های مطالعات

سوجی‌هارا^۱ و همکاران (۲۰۰۸)، لیناسونگ^۲ (۲۰۰۸)، امسلی^۳ (۲۰۰۴)، چاندولا^۴ و همکاران (۲۰۰۴)، وینتر^۵ و همکاران (۲۰۰۶)، لاهلما^۶ (۲۰۰۲)، مارتیری^۷ (۲۰۰۰)، جاستینا (۲۰۰۷)، آدرا (۲۰۰۴) و رنت بیر (۲۰۰۳)، اسدخانی (۱۳۷۸) همسو است، ولی با نتایج مطالعه ایکدا^۸ (۲۰۰۶) همخوانی ندارد. بین پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی و رضایت از زندگی همبستگی منفی وجود داشت. یعنی هرچه ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی بیشتر پذیرفته می‌شود رضایت از زندگی کاهش پیدا می‌کند؛ این یافته با نتایج تحقیق بم (۱۹۸۳) به نقل از خمسه (۱۳۸۳) همخوانی دارد، ولی با تحقیق زارع (۱۳۸۵) همسو نیست.

همچنین نتایج رگرسیون بین برابرخواهی جنسیتی و پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی بارضایت از زندگی نشان داد برابرخواهی جنسیتی و پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی سهم معناداری در تبیین رضایت از زندگی دارند و هرکدام ۰.۲٪ از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کند. پایین بودن این میزان واریانس برابرخواهی جنسیتی و پذیرش ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی احتمالاً به این دلیل است که رضایت از زندگی، بر ایند رضایت از تمام حوزه‌های زندگی (سن، درآمد، سلامت جسمانی و روانی، تحصیلات، روابط میان فردی، ژنها، شخصیت و غیره) است، که در آن صورت، درصد باقیمانده از واریانس را این حوزه‌ها تبیین خواهند کرد. توصیه می‌شود نتایج پژوهش مورد استفاده روان‌شناسان و روانپزشکان در محیط‌های بالینی و درمان (زوج درمانی و خانواده درمانی)، مشاوران در مشاوره‌های قبل از ازدواج و مشاغل‌های زن‌شویی، روان‌شناسان تربیتی در راهنمایی والدین برای انتخاب شیوه‌های فرزند پروری، روان‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و اساتید روان‌شناسی دانشگاه قرار گیرد تا با افزایش آگاهی جامعه، بتوان شدت تعارضات راکاهش داد و گامی در جهت ارتقای سلامت روانی برداشت.

سپاسگزاری

از مسئولان و کارمندان اداراتی که با همکاری و تکمیل پرسشنامه در این تحقیق یاری‌گر ما بودند تشکر و قدردانی می‌شود.

1. Sujihara
2. Linasong
3. Emslie
4. Chandola
5. Winter
6. Lahelma
7. Martirei
8. Ikeda

مقایسه نگرش به نقش جنسیتی و رابطه آن با رضایت از زندگی در کارمندان ۱۲۳

منابع

احمدی، حبیب، (۱۳۸۳). بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در خانواده‌های شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن، *مجله مطالعات زنان*، سال دوم شماره ۶، ۳۰-۵.

اسدخانی، فریبا، (۱۳۷۸). *ارتباط بین نقش جنسیتی و شیوه‌های مقابله با استرس در زنان متأهل تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی دانشگاه الزهراء (س).
اسماعیل پور، خلیل، (۱۳۸۳). مقایسه باورهای افراد در مورد نقش زن و شوهر در خانواده، ارائه شده در نخستین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.

برک، لورا ای، (۱۳۸۳). *روانشناسی رشد*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران.
خمسه ای، اکرم، (۱۳۸۳). بررسی طرحواره‌های نقش جنسیتی و کلیشه‌های فرهنگی در دانشجویان دختر، *مجله خانواده پژوهی* - (۸) ۲، ص ۳۳۹-۳۲۷.

خیر، محمد و سیامک سامانی، (۱۳۸۳). مقایسه سلامت روانی، اجتماعی، بهداشت روانی، رضایت از زندگی و همکاری در بین مادران شاغل و خانه دار شهر شیراز، گزارش طرح پژوهشی، کارگاه پژوهش، آمار و فن آوری اطلاعات استان فارس.

زارع، زهرا، (۱۳۸۵). *بررسی ارتباط کلیشه‌های جنسیتی و تضاد نقش‌های زناشویی در زنان جوان*، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه الزهراء (س).
سیف، سوسن و دیگران، (۱۳۷۶). *روانشناسی رشد*، تهران، سمت.

علی پور، احمد و احمد علی نوربالا، (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران، *فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال پنجم، شماره ۲ و ۱.

قاسملو، فاطمه، (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر نگرش زنان شاغل نسبت به نابرابری جنسیتی در امر اشتغال*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س).

گلوبوک، سوزان. فیوش، روبین، (۱۳۸۴). رشد جنسیت، ترجمه میرصلاح‌الدین عنایتی و بهمن گرجیان، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
هاتفی، حمیده، (۱۳۸۴). بررسی نگرش زنان در مورد تفاوت‌های جنسیتی (زیستی، اجتماعی، اقتصادی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س).

- Adamiak, G, (2004).** Assesment of life of medical students relation to the number and intensify of depression symptoms, *Journal psychiatria polska*, 35, (4), 631-8.
- Audra, Lee, (2004).** *Women's gender role attitudes: Association of demographic characteristics, work related factors, and life satisfaction*, University of North Texas.
- Bailyn, (2006).** breaking the mold: Redesigning work for production and satisfying lives. Ithaca, Ny: cornell university Press.
- Chandola, T, Martikainen, P, Bartly, M, Lahelma, E, Marmot, M, Michikazun, S, Nasermoadeli, A & Kagamimori, S, (2004).** Does conflict between home and work explain the effect of multiple. Comparative study of Finland, Japan and the UK. Roles on mental health? *International Journal of epidemiology*.
- Cown,E.L, (1991).**Inpersuit of wellness, *American psychologist*,46,404-408.
- Diener, E. D, Seligman & Martin, E. P, (2002).** *Beyond money: toward an economy of wellbeing*, National system for monitoring wellbeing, University of Pennsylvania.
- Diener, E. D,SUh.E,Mgluicas,R.E & smith,H.I, (1999).**Subjective wellbeing tree decades of progress, *psychological bulleting*, Vol:125.pp:276-302.
- Donovan, N & Halpern, G, (2002).** *Life satisfaction: the state of knowledge and impilication*, for government attrived at Nicolas Donovan cabinet of the donic psychology.
- Emslie, C, Hunt, K & Macintyre, S, (2004).** Gender, work home conflict and morbidity among white- colloar bank employees in the United Kingdom, *International journal of behavioral medicine*, 11, (3): 127-34.
- Eysenck,M.W, (1990).***Happiness facts and myths*, East sussey England:Erlbann.
- Ikeda, M, (2006).** Gender role attitude and psychological wellbeing of middle aged men. Focusing on employment patterns of their wives, *Yamanashi Women's junior college, Lida, Kofu* 400-0035, Japan
- Jeffry, J.FRCH, Christopher,J, Fives, J, Rayan, F, Matghew, D, Jacofsky, M.D & charles, Y, (2007).** International relationship and inlugical, predictors of life satisfaction, *The journal of positive psychology*, 2, (1):29-39..

- Justina, A. V, (2007).** Gender inequality and life satisfaction". Does discrimination matter?, *Seitoku University Iwase Matsudo*, 291-8555, Japan.
- Lahelma, E, Arber, S, Kivela, K & Roos, E, (2002).** Multiple roles and health among British and Finnish women, *Social science & medicine*, 55, (5): 727-40.
- Liat K, (2006).** Personality profiles, life satisfaction and gender role ideology among couples in late adulthood, *The Israeli case personality and individual differences*, volume 40, Issue 2. papers 317-329.
- Martirei, M, Stephens. M & Tonsend, A, (2000).** Centrality of women's multiple roles: beneficial and detrimental consequences for psychological wellbeing, *Journal psychological and aging*, 15 , (1) 148-56.
- Song,L & Appleton,S, (2008).** Life satisfaction in urban China, *components and determines IZA discussion paper No. 3443*.
- Sugihava, Y, Sugisama, H, Shibata, H & Havada, K, (2008).** Productive role, gender and depressive symptoms, *Journal of gerontology, psychological sciences and social sciences*, 63 , (4): p 227-234.
- Sousa, L & Lyubomirsky, S, (2001).** Life satisfaction. *Inj. Wovell , (Ed), encyclopedia at women and gender: Sex similaties and differences*, Vol: 2, pp: 667-676.
- Wernet- Beyer, C. A, (2003).** The post modern individual structural determinates of attitudes, *Paper presented of the annual meeting of the American sociological association*.
- Winter, T, Rose, E, Rahkonen, D, Markikainen, D & Lahelma, E, (2006).** Work family conflicts and self-rated health among middle-aged manicipal employees in the Finland, *Journal behavioral medicine*, 3, (4): 276-85.

